



ژورنال حقوق کیفری

سال نهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

شماره پیاپی ۱۸



کنترل تحت نظر در حقوق کیفری ایران و فرانسه

علی القاصی مهر^۱

دکتر علی جانی پور^۲ ✉

دکتر شهرام ابراهیمی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۱۳

چکیده

حق بر آزادی فردی، یعنی حق بر عدم دستگیری و بازداشت جز به حکم قانون و دادگاه صالح، از حقوق جدایی ناپذیر انسان و شرط اول بهره‌مندی از سایر حقوق عمومی است. تحت نظر به‌عنوان یک رویه پلیسی رایج و مرحله‌ای که چارچوب اساسی پرونده قابل رسیدگی در دادگاه در آن شکل می‌گیرد، یک تأسیس مستعد تعرض به آزادی‌های فردی است. یکی از مهم‌ترین ابزارهای ایجاد اطمینان از رعایت حقوق بنیادین پیش‌بینی شده در دو قانون آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه و پیشگیری از تعرض نسبت به آزادی‌های فردی، کنترل مرحله تحت نظر به‌عنوان یک اقدام سالب آزادی است. این که ضرورت کنترل تحت نظر پلیسی چیست، شیوه‌های کنترل کدام است و توسط چه اشخاصی قابل انجام است و چه آثار حقوقی - جرم شناختی نسبت به متهم از یک سو و ضابطین و نیز مقام قضایی از سوی دیگر، در پی دارد، موضوع مقاله حاضر را تشکیل می‌دهد.

واژگان کلیدی: تحت نظر پلیس، کنترل تحت نظر، دادستان، حقوق ایران، حقوق فرانسه

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج

۲. استادیار دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج (نویسنده مسئول)

۳. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز

✉ ali.janipour2018@gmail.com

مقدمه

تحت نظر^۱ یک اقدام سالب آزادی است که به مباشرت ضابطین و تحت کنترل مقام قضایی صورت می‌گیرد و بر اساس آن، شخصی که شواهد موجب ظن ارتکاب یا شروع ارتکاب جرم علیه او وجود داشته باشد، برای انجام تحقیق در مدت محدود و مشخص در اختیار پلیس قرار می‌گیرد. این تاسیس، یک مرحله اساسی از دادرسی کیفری است که اگرچه سابقه تقنینی طولانی ندارد، لیکن به لحاظ اهمیت و آثار مختلف آن در فرایند کیفری از جمله دلایل ذیل، موضوع بیشترین اصلاحات و تحولات بوده است.

در این مرحله پلیسی از فرایند کیفری است که چارچوب اولیه و بنای پرونده قابل رسیدگی در دادگاه شکل می‌گیرد و گزارشات ابتدایی که می‌تواند جهت‌گیری پرونده را تحت‌تأثیر قرار دهد تنظیم و ارائه می‌گردد. نکته دوم به الزامات اجرایی-عملی باز می‌گردد؛ در واقع ضرورت‌های ناشی از رسیدگی در مهلت مشخص از یک‌سو و نیز آمارمحوری ناشی از تورم دعاوی کیفری مراجع قضایی و لزوم مدیریت ورود و خروج پرونده و نیز ضرورت ایجاد تعادل در آمار، جهت مصون ماندن از واکنش‌های اداری، موجب می‌شود متهمان در برخی موارد و از جمله در پرونده‌های پیچیده، بر اساس همان عناصر و دلایل تحصیل شده در مرحله تحت‌نظر تعقیب گردند. سومین نکته به رویکردهای سخت‌گیرانه کیفری، در پوشش پاسخ به درخواست‌های تأمین امنیت بزه‌دیدگان بالقوه مربوط می‌شود. این رویکرد عمدتاً با هدف تقویت مبارزه علیه مجرمان، حتی به بهای محکوم کردن احتمالی افراد بی‌گناه دنبال می‌شود. در واقع، در این نوع نگاه که به مدل کنترل جرم یا مدل کیفری نزدیک می‌شود (شفیع‌زاده دیزجی، ۱۳۹۲)، تأمین امنیت، به ابزاری برای تقویت اختیارات ضابطان عام و خاص جهت تحصیل دلیل در مرحله تحقیقات پلیسی (Danet, 2014: 130) و در نهایت تشدید سخت‌گیری و سرکوب کیفری تبدیل می‌شود. لذا با توجه به فراوانی توسل به تحت-نظر و جایگاه آن در تحقیقات پلیسی، حقوق متهمین تحت‌نظر و نظارت بر آن، باید از چنان قوتی برخوردار باشد تا این نواقص احتمالی جبران و امنیت حقوقی شهروندان در معرض تعدی قرار نگیرد.

مطالعه ساز و کارهای کنترل رعایت حقوق و تضمینات متهمان تحت‌نظر در ایران و نیز حقوق کیفری فرانسه، که در طی چندین سال گذشته قانون‌گذار آن ملزم شد تحت فشار شدید دیوان اروپایی، شورای قانون اساسی و نیز دیوان عالی کشور^۲، در راستای انطباق با حقوق بنیادین افراد، آن

1. La garde à vue

۲. باید خاطر نشان ساخت که در این خصوص، دیوان اروپایی حقوق بشر الهام‌بخش محاکم داخلی این کشور و محاکم داخلی نیز الهام‌بخش قانونگذار داخلی هستند.

را متحول و مشمول کنترل‌های مختلف قرار دهد، می‌تواند در رفع نواقص و تقویت جنبه‌های مثبت کنترل مؤثر واقع شود. در واقع، این مطالعه تطبیقی به نوبه خود اجازه می‌دهد افزون بر شناسایی نقاط قوت و ضعف حقوق کیفری داخلی از سیاست کیفری کشور مورد مطالعه، یعنی حقوق کیفری شکلی فرانسه، در حوزه خاص تحت‌نظر و کارنامه آن کسب اطلاع و از تدابیر بدیع و تجارب مفید با لحاظ ویژگی‌های اجتماعی و نظام حقوقی استفاده نمود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵ ب: ۹). اهمیت این تطبیق از آنجا دوچندان می‌شود که قانون‌گذار در قانون اخیر آیین دادرسی کیفری تا حدود زیادی از قانون دادرسی کیفری فرانسه الهام گرفته و تلاش کرده است، اصول اساسی آن را بومی و در مرحله تحت‌نظر به کار گیرد. بدین ترتیب هدف از بررسی وجه تطبیقی بررسی وجوه افتراق و اشتراک جهت رفع خلاءهای موجود در حقوق ایران است.

بدین سان، تحت‌نظر پلیسی یک تأسیس مستعد تعرض آزادی‌های فردی است که اگرچه تلاش بر کاهش توسل به آن و یا کاهش مدت نگهداری، در کوتاه‌مدت چندان فایده‌مند نباشد، اما کنترل و نظارت بر روند اجرا جهت اطمینان از رعایت حقوق بنیادین متهمان، واجد آثار حقوقی - جرم شناختی خواهد بود. منظور از کنترل از نظر نگارندگان، مراقبت و نظارت منظم جهت اطمینان از انجام تحت‌نظر بر اساس اصول و قوانین مرتبط و در صورت لزوم اقدام قانونی متناسب می‌باشد. تحت‌نظر، همانند حبس، چه در حقوق ایران و چه حقوق فرانسه، گاهی به‌عنوان یک اقدام سالب آزادی در مدت زمان مشخص در فرایند کیفری قابل مطالعه است و گاهی به‌عنوان یک محل و مکان برای نگهداری فرد با عنوان تحت‌نظرگاه^۱ از جهت رعایت حداقل‌های حقوق بنیادین. کنترل تحت‌نظر و شرایط مربوط به سازمان و تشکیلات موضوع گفتار اول را تشکیل می‌دهد. ساز و کارهای کنترل در فرایند تحت‌نظر در گفتار دوم بررسی می‌شود.

گفتار اول: کنترل تحت‌نظر و شرایط مربوط به سازمان و تشکیلات (مقام قضایی)

یکی از مهم‌ترین ابزارهای ایجاد اطمینان از رعایت حقوق بنیادین پیش‌بینی شده در قانون نسبت به متهمین تحت‌نظر، کنترل این مرحله است. زیرا نهاد تحت‌نظر با وجود اصلاحات متعدد و پیش‌بینی حقوق مختلف، بعضاً در عمل به ابزاری برای تحصیل اقرار تبدیل می‌گردد. لذا نمی‌توان جدای از نظام ویژه کنترل و تعیین دقیق چارچوب حقوقی بدان اندیشید. بر همین اساس، ادله تحصیل شده در این مدت تنها در پرتو رعایت حقوق بنیادین افراد می‌تواند معتبر قلمداد شود، والا چگونه می‌توان از لحاظ حقوقی به یک اقرار تحت‌تأثیر اجبار و نقض حقوق بنیادین فرد تحت‌نظر بها داد

۱. کنترل تحت‌نظر گاه طی مقاله‌ی جداگانه بررسی خواهد شد..

مؤذن‌زادگان و کوره‌پز، ۱۳۹۵: ۵۴). این کنترل می‌تواند از گذر مداخله مقام قضایی (الف) نسبت به نظام تحت نظر (ب) صورت پذیرد.

الف: کنترل از گذر مداخله مقام قضایی:

حق بر آزادی فردی، یعنی حق بر عدم دستگیری و بازداشت جز به حکم قانون و دادگاه صالح، که در حقوق عمومی از آن به حق بر تامين (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۱۰) نام برده می‌شود، از حقوق جدایی‌ناپذیر انسان و شرط اول بهره‌مندی از سایر حقوق عمومی است. بر همین اساس، اصل سی و دوم قانون اساسی مقرر می‌دارد «هیچکس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند...». در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود. همچنین بر اساس اصل سی و نهم، هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است. در همین راستا ماده ۵۷۰ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده، مصوب ۱۳۷۵، سلب آزادی شخصی افراد ملت یا محروم کردن از حقوق مقرر در قانون اساسی را با ضمانت اجرای حبس و انفصال مواجه ساخته است. بند ۵ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، مصوب پانزدهم اردیبهشت ۱۳۸۳ مجلس شورای اسلامی، نیز با تاکید بر محتوای اصل ۳۲ قانون اساسی مقرر می‌دارد «اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می‌نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرر پرونده به مراجع صالح قضایی ارسال شود و خانواده دستگیرشدگان در جریان قرار گیرند».

علاوه بر این، سلب آزادی در ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، تابع یک نظام حقوقی است که امروزه از آن به «اصول دادرسی عادلانه»^۱ تعبیر می‌شود. اصل‌های برائت، منع شکنجه و رفتارهای غیرانسانی، از جمله اصول دادرسی عادلانه در مفهوم موسع را تشکیل می‌دهد.^۲

۱. مفاهیم دادرسی و رفتار عادلانه در بردارنده جنبه کیفری موازین حقوق بشری است که در مقررات داخلی کشورها ابتدا به صورت اصل راهبردی در قانون اساسی به آن توجه می‌شود و سپس تفصیل و شقوق آنها در قوانین عادی ضمانت اجداد و ضابطه‌مند می‌شود. در مورد مفهوم دادرسی منصفانه و عادلانه ر.ک: مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۶-۵۷، زمستان ۱۳۸۵، ویژه دادرسی عادلانه و همین مجله، شماره ۵۸، بهار ۱۳۸۶، ویژه حقوق شهروندی.

۲. ماده مقدماتی قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه و نیز مواد ۲ تا ۷ قانون آیین دادرسی کیفری ایران اگر چه عنوان دادرسی منصفانه ندارد، لیکن معیارهای آن را ذکر کرده است. حال از آنجایی که اصولاً رویکرد دولتها به کرامت انسانی

بدین ترتیب ارکان دادرسی عادلانه یعنی اصل‌های برائت، منع شکنجه، هتک حیثیت و رفتارهای غیرانسانی و نیز مداخله مقام قضایی ظرف مدت حداکثر بیست و چهار ساعت، اعتبار اصول قانون اساسی را کسب کرده و به سطح اعتبار آن قانون ارتقا پیدا کرده است. (برای اطلاعات بیشتر ر.ک: نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۳: ۹۸۸ به بعد). مداخله مقام قضایی تضمین‌کننده این اصول در مرحله دستگیری پلیسی است. اسناد بین‌المللی حمایت از حقوق بشر، بویژه میثاق حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶، که در سال ۱۳۵۴ به تصویب مجلس رسید^۱ در این خصوص، دو نوع تضمین را پیش‌بینی کرده است. از یک سو، امکان حضور فرد دستگیر یا بازداشت شده نزد یک مقام قضایی یا مقام صالح تعیین شده توسط قانون و از سوی دیگر حق اعتراض به سلب یا محدود شدن آزادی در برابر یک دادگاه جهت اظهارنظر سریع در خصوص قانونی بودن دستگیری.

ب: «نظام تحت نظر» به عنوان بستر کنترل:

تأسیس تحت نظر، از لحاظ تاریخی در حقوق فرانسه، در قانون تحقیقات جنایی ۱۸۰۸ پیش‌بینی نشده بود، اما یک رویه جاری پلیسی بدون قاعده به حساب می‌آمد (Vlamynck, 2008:257). بر همین اساس، در سال ۱۹۵۹، قانون‌گذار مصمم گردید چارچوب مشخصی برای آن در قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی نماید. در واقع قانونگذار به جای انکار یا نادیده انگاری، سعی کرد آن را حفظ ولی قانونمند نماید. در اصلاحات بعدی، این تأسیس، به ویژه در حوزه حقوق بنیادین افراد، مشمول تغییرات فراوان شد (Dumontet, 2004: 277).

مهم‌ترین تغییرات تحت نظر در قانون ۴ ژانویه ۱۹۹۳ صورت پذیرفت. در این قانون، ضمن اشاره به نقش دادستان در کنترل تحت نظر، حقوقی پیش‌بینی شد که به راحتی قابل چشم‌پوشی یا نقض نبود. به عنوان مثال تا پیش از این، پلیس می‌توانست هر فردی که حضور او را برای تحقیق ضروری تشخیص می‌داد از جمله شاهد، تحت نظر نگه دارد، لیکن انتقادات دادگاه اروپایی حقوق بشر مبنی بر منع سلب آزادی افراد غیر مظنون، در نهایت موجب شد قانونگذار دامنه آن را محدود کند. از انجام این تغییرات دو ملاحظه جلب توجه می‌نمود. تأثیر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بر قانونمند-

و حقوق شهروندی و نیز اصول دادرسی تابع ماهیت سیاسی آنهاست، سوال این است آیا تحت نظر در حقوق ایران و فرانسه تا چه اندازه از اصول فوق تبعیت کرده است.

۲. قانون اجازه الحاق دولت ایران به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مشتمل بر یک ماده و متن میثاق پس از تصویب مجلس شورای ملی در جلسه روز سه‌شنبه ۲۳ آبان ماه ۱۳۵۱ در جلسه روز چهارشنبه هفدهم اردیبهشت ماه یک هزار و سیصد و پنجاه و چهار شمسی به تصویب مجلس سنا رسید.

سازی تأسیس تحت‌نظر از یک‌سو و شکل‌گیری یک چارچوب قانونی جهت تسهیل کنترل تحت‌نظر در اجراء، از سوی دیگر.

قانون ۱۵ ژوئن مصوب سال ۲۰۰۰، حقوق افراد تحت‌نظر را تقویت (برای مطالعه بیشتر در این خصوص رک: ساقیان، ۱۳۹۳، ص ۱۰۳ و بعد) و صراحتاً تحت‌نظر قرار دادن شاهد را ممنوع ساخت. در نهایت ماده ۱۴ قانون ۵ مارس ۲۰۰۷، با الزامی ساختن ثبت صوت - تصویری تحقیقات در طول مدت تحت‌نظر، به سمت ایجاد تعادل، یعنی حفظ حقوق بنیادین افراد تحت‌نظر از یک‌سو و ضرورت یافتن مرتکبین و حفظ نظم عمومی از سوی دیگر، متمایل شد.

قانون سال ۲۰۱۱ اصلاحات عمیقی را به ویژه در حوزه حقوق دفاعی متهم و ضمانت اجراهای آن ایجاد نمود. تأسیس تحت‌نظر که به‌عنوان بخش تاریک آیین دادرسی کیفری و اغلب به‌عنوان تأسیس تحدیدکننده حقوق و آزادی‌های بنیادین متهم قلمداد می‌شد، امروزه در تیررس نورافکن-های کنترل مقام قضایی شفاف‌تر گردیده است. بدین ترتیب از نقطه نظر توجه به حقوق تحت‌نظر نوعی تحول در مقایسه با مقررات سابق قابل ملاحظه است. در واقع با وارد شدن تأسیس تحت‌نظر در قانون آیین دادرسی کیفری و نیز تحولات بعدی می‌توان از شکل‌گیری حقوق تحت‌نظر صحبت کرد. بدین ترتیب، به محض اینکه دلایلی مبنی بر ظن به ارتکاب جرم وجود داشته باشد، فرد باید تحت «نظام تحت‌نظر» مورد تحقیق قرار گیرد و نه خارج از آن. به عبارت دیگر، از آنجایی که، حداقل در حقوق فرانسه، عدم رعایت برخی از استانداردهای حقوقی در این مرحله می‌تواند موجب بطلان فرایند گردد (در خصوص نظریه بطلان در آیین دادرسی کیفری رک: (موذن زادگان، و سهیل مقدم، ۱۳۹۵: ۲۴۳-۲۶۷))، می‌توان جهت‌گیری «نظام تحت‌نظر» را حمایتی تلقی کرد. قانون آیین دادرسی کیفری ایران برای اولین بار در سال ۱۳۹۲ طی مواد ۴۶ تا ۵۳ به موجبات تحت‌نظر، مدت زمان نگهداری، حقوق متهم و تکلیف به تفهیم آن و نیز تکالیف ضابطین اختصاص داد، درحالی که در مقررات سابق فقط یک ماده به منع نگهداری بیش از ۲۴ ساعت در تحت‌نظر توسط ضابطان می‌پرداخت. قانون کنونی نیز البته در این خصوص با خلاءهای فراوان در زمینه حقوق این دسته از متهمین و نیز شیوه کنترل رعایت آن مواجه است، با این وجود می‌توان از آغاز شکل‌گیری حقوق متهم تحت‌نظر در ایران سخن گفت. بی تردید تبدیل تحت‌نظر و اصلاح آن به خواست عمومی و نیز اولویت تحقیق محیط‌های دانشگاهی و حرفه‌ای، از جمله کانون وکلای دادگستری، می‌تواند این روند را سرعت بخشد.

با این حال و با وجود تحول در تضمینات ناظر به تحت‌نظر در دو نظام حقوقی ایران و فرانسه، تحقق حداقل شرایط لازم برای کنترل و نظارت رعایت حقوق مقرر، مورد تردید است. بر اساس بند ۳ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (Cappello, 2016: 133)، هر فرد دستگیر یا بازداشت

شده باید بلافاصله در برابر مقام قضایی حاضر شود. قانون اساسی ایران نیز اگرچه در یک گام جلوتر از حقوق فرانسه، به منع نگهداری بیش از ۲۴ ساعت، اعتبار یک اصل قانون اساسی بخشیده و امکان تعرض به آن حتی از طریق تصویب قانون عادی را سلب نموده است، لیکن در اصل ۳۲ به جای پرداختن به ضرورت حضور شخص متهم نزد مقام قضایی، از لزوم ارسال پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی سخن گفته است.^۱

با این حال، مداخله یک مقام قضایی در حقوق فرانسه مستلزم تحقق برخی شرایط است (برای اطلاعات بیشتر ر.ک: احمدپور، ۱۳۹۴: ۱۰۶). در واقع این مقام، باید واجد برخی شرایط مندرج در کنوانسیون باشد؛ مقام قضایی زمانی می‌تواند حافظ آزادی‌های فردی و کنترل‌کننده مؤثر تحت‌نظر باشد که از استقلال کافی و بی‌طرفی برخوردار باشد (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۹۴: ۹۸. قابل دسترس در Lawtest.ir). حال چنانچه بخواهیم استاندارد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را در این خصوص ملاک قرار دهیم، نه دادستان و نه قاضی تحقیق از شرایط لازم برای کنترل تحت‌نظر به‌عنوان یک تدابیر اقدامات سالب آزادی برخوردار نمی‌باشند (Giudicelli, 2011: 142). در واقع دادستان از یک سو، به استناد ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری وظیفه تعقیب متهم را بر عهده دارد و از سوی دیگر، کنترل مصدق از تحت‌نظر را دنبال می‌کند که قبلاً در خصوص آن اظهارنظر کرده است. لذا زمانی بی‌طرفی حفظ می‌گردد که وی نسبت به این شخص نقش مقام تعقیب را بر عهده نداشته باشد.

بر اساس قسمت اخیر ماده ۴۴ و ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری ایران، تحت‌نظر می‌تواند در جرایم مشهود (آشوری، ۱۳۹۵: ۲۵۲)، علی‌الراس توسط ضابط و در حقوق فرانسه به استناد ماده ۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه به ابتکار شخص پلیس قضایی و یا به دستور دادستان صورت پذیرد. حال با توجه اینکه کنترل تحت‌نظر بر اساس ماده ۴۹ قانون آیین دادرسی ایران و ۳-۶۲ آیین دادرسی فرانسه، بر عهده دادستان است آیا مناسب است تصمیم به اتخاذ این تدبیر نیز به دادستان محول شود؟ شاید در بادی امر بتوان گفت امکان انجام آن مانع از آن نیست که دادستان نیز بر اساس وظایف و اختیارات خود اقدام نماید، اما در این فرض، یعنی زمانی که مقام صدور و کنترل واحد باشد، کنترل تحت‌نظر بی‌طرفانه نخواهد بود. زیرا جمع و خلط این اختیارات در نهایت می‌تواند تهدید علیه آزادی‌های فردی تلقی شود.

۱. اصل سی و دوم: هیچکس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

بر این اساس، جهت رفع شبهه نقض اصل بی‌طرفی، دو اقدام قابل انجام است: یا دادستان از شرایط لازم بر اساس معیارهای بی‌طرفی، برخوردار گردد یا اینکه کنترل تحت‌نظر از این مقام اخذ و این امر به یک قاضی دادگاه اعطا شود. راه حل دوم به دلیل اینکه مقام صدور و کنترل شخص واحد نیست و اصل بی‌طرفی نیز رعایت خواهد شد، موثر، حمایتی و بی‌تردید در راستای توسعه کنترل و صیانت از حقوق افراد تحت‌نظر است. به عبارت دیگر وقتی دادستان می‌تواند تدابیری را اتخاذ کند که متضمن تعدی به حقوق و آزادی‌های بنیادین مظنون باشد، این اقدامات بدون تردید باید موضوع کنترل یک قاضی دادگاه قرار گیرد. لذا مطلوب این است که کنترل تحت‌نظر به قاضی دادگاه واگذار گردد و دادستان صرفاً مدیریت اداری تحت‌نظر را برعهده گیرد.

این امر البته مستلزم این است که کنترل و مداخله یک قاضی دادگاه به یک رویه تشریفاتی یعنی صرفاً تأیید بعدی اقدامات علیه آزادی‌های فردی قضات دادسرا محدود نشود. بدین ترتیب اگر کنترل موثر تحت‌نظر مورد نظر باشد این امر مستلزم این است که این قاضی دادگاه از محتوای پرونده مطلع باشد و وقت و ابزار لازم برای این نوع کنترل را نیز در اختیار داشته باشد. شاید در آینده بتوان به پیش‌بینی قاضی مستقل و ویژه کنترل تحت‌نظر اندیشید. بدین ترتیب شرط استقلال و بی‌طرفی مربوط به مقام قضایی، در قابلیت دادستان یا قاضی تحقیق در کنترل تحت‌نظر تردید ایجاد می‌کند. بر همین اساس صرفاً نمی‌توان به معیار سازمان و تشکیلات محدود شد و از ظرفیت‌های مربوط به فرایند تحت‌نظر غافل شد.

گفتار دوم: کنترل تحت نظر از گذر نظارت بر فرایند

دادستان اگر چه به‌طور کلی مکلف به نظارت بر حسن اجرای وظایف ضابطان^۱ و بازرسی دوره‌ای از شیوه اقدام آنان می‌باشد، اما به‌طور خاص، در شروع تحت‌نظر و نظارت بر فعالیت کنشگران تحقیقات پلیسی نقش اساسی دارد. این امکان مداخله و نظارت دادستان یا به مرحله کنترل پیشینی (الف) باز می‌گردد و یا به کنترل پسینی و قدرت اتخاذ تصمیم (ب).

الف: کنترل پیشینی تحت نظر توسط دادستان

دادستان بر اساس ماده ۳-۶۲ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، وظیفه کنترل تحت‌نظر را بر عهده دارد (De Lamy, 2011: 165). وی بررسی خواهد کرد آیا نگهداری فرد در تحت‌نظر و در

۱. ماده ۳۳ قانون آیین دادرسی کیفری- دادستان به‌منظور نظارت بر حسن اجرای وظایف ضابطان، واحدهای مربوط را حداقل هر دو ماه یکبار مورد بازرسی قرار می‌دهد و در هر مورد، مراتب را در دفتر مخصوصی که به این منظور تهیه می‌شود، قید و دستوره‌های لازم را صادر می‌کند.

صورت اقتضا، تمدید آن، برای امر تحقیقات ضروری است یا خیر؟ آیا توسل به این اقدام، یعنی تحت نظر، با شدت عملی که فرد مظنون به ارتکاب آن است، تناسب دارد. همچنین وی باید از حفظ و صیانت از حقوق شناخته شده در قانون برای فرد تحت نظر اطمینان حاصل کند. بر همین اساس در هر زمانی می‌تواند درخواست کند فرد تحت نظر نزد وی حاضر و یا آزاد گردد. قسمت اخیر ماده ۴۶ و ماده ۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری ایران، ضابطان را ملزم ساخته است تحت نظر در جرایم مشهود را فوری به اطلاع دادستان برسانند تا وی نسبت به بررسی موضوع و در صورت نیاز، حضور در محل، اقدام قانونی بعمل آورد.

در هر صورت، دادستان به منظور انجام درست این کنترل، باید بلافاصله از تحت نظر قرار گرفتن فرد توسط پلیس مطلع شود. (۱) از سوی دیگر، شرط انجام باکیفیت کنترل این است که اطلاعات داده شده به وی عینی و مشخص و دقیق باشد (۲). لذا صرف اطلاعات کلی نمی‌تواند در اثربخشی کنترل مؤثر واقع شود (۳).

۱. اطلاع رسانی بلافاصله

به منظور صیانت بهتر از حقوق افراد تحت نظر، اطلاع رسانی به دادستانی باید در کوتاه‌ترین زمان ممکن صورت پذیرد. در واقع شرط لازم برای اجرای این کنترل اطلاع رسانی فوری و بلافاصله است. اگرچه زمانی که تدبیر تحت نظر به دستور خود دادستان باشد این اقدام دیگر شرط لازم محسوب نخواهد شد. در این فرض کنترل تحت نظر تضعیف خواهد شد.

بر اساس م ۱-۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، ضابط از همان ابتدای شروع تحت نظر، دادستان را به هر طریق ممکن مطلع خواهد ساخت. ضابط دلایل توجیه کننده تحت نظر و نیز نظر خود در خصوص عنوان یا وصف عمل مجرمانه که آن را به متهم ابلاغ کرده است اطلاع رسانی خواهد کرد. دادستان البته می‌تواند این وصف را تغییر دهد. در این صورت عنوان اتهامی جدید به وی ابلاغ خواهد شد. هر نوع تأخیر غیر موجه در صورت شکایت ذینفع به بطلان تحت نظر منتهی خواهد شد. قانون آیین دادرسی کیفری ایران در مقایسه با حقوق فرانسه، اگرچه از یک سو، در ماده ۴۶ ضابطان را ملزم ساخته است «موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند» و از سوی دیگر بر اساس ماده ۴۹ موظف شده است جهت تهیه فهرست افراد تحت نظر، «حداکثر ظرف یک ساعت، مشخصات متهم و علت تحت نظر را به دادرسی محل اعلام کند»، لیکن از ضرورت اعلام دلایل

توجیه تحت نظر سخنی به میان نیاورده است.^۱ با این حال قانون‌گذار ایران در راستای تقویت کنترل تحت نظر و افزایش نظارت بر بازداشت‌های پلیسی، در یک گام جلوتر از قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، تکلیف جدیدی برای دادستان شهرستان جهت اطلاع‌رسانی به عالی‌ترین مقام قضایی در استان ایجاد نموده است. بر اساس ماده ۴۹ این قانون، «دادستان هر شهرستان با درج مشخصات مزبور در دفتر مخصوص و رایانه، با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی، نظارت لازم را برای رعایت حقوق این افراد اعمال می‌نماید و فهرست کامل آنان را در پایان هر روز به رئیس کل دادگستری استان مربوط اعلام می‌کند تا به همان نحو ثبت شود». اگرچه صرف اطلاع‌رسانی جهت ثبت، خود واجد آثار است لیکن بهتر است در اصلاحات بعدی قانون، بر ضرورت تدوین آیین‌نامه چگونگی نظارت پیشگیرانه رییس کل و استفاده مناسب از این اطلاعات، که به‌طور روزانه تهیه و تنظیم می‌گردد،^۲ تصریح شود. زیرا صرف اطلاع به رییس کل دادگستری استان، اگرچه زمینه را برای پاسخگویی به افراد خانواده و بستگان درباره تحت نظر قرار گرفتن فراهم می‌کند، لیکن پیش‌بینی الزاماتی برای وی در خصوص نظارت، از جمله نظارت فن‌آورانه بر تحت نظر و پیش‌بینی امکان برقراری ارتباط صوتی یا تصویری، تعیین زمان آغاز و پایان نظارت، شیوه مداخله در صورت نقض حقوق بنیادین و شفافیت در اطلاع‌رسانی، بر وجه پیشگیرانه این تدبیر خواهد افزود.

در هر حال، از لحاظ نظری، اطلاع‌رسانی به دادستان اجازه می‌دهد این مقام قضایی ناظر اقدامات نیروی‌های حافظ نظم^۳ باشد و از این رهگذر از حمایت از شهروندانی که ممکن است بر خلاف قانون و نقض بر تامين، موضوع یک اقدام سالب آزادی قرار گرفته‌اند، غافل نشود.^۱

۱. بر اساس ماده ۴۶-.... ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به‌طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند. در هر حال، ضابطان نمی‌توانند بیش از بیست و چهار ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند. همچنین بر اساس ماده ۴۹ همین قانون.... «به محض آنکه متهم تحت نظر قرار گرفت، حداکثر ظرف یک ساعت، مشخصات سجلی، شغل، نشانی و علت تحت نظر قرار گرفتن وی، به هر طریق ممکن، به دادرسی محل اعلام می‌شود».

۲. در ارتباط با معیارهای پیشگیری کیفری و غیرکیفری رک: (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵: ۵۵۹ و بعد)

۳. به عنوان مثال: ۱- احراز عنوان ضابط و گذراندن دوره آموزش و تحصیل کارت ویژه ضابطان، ۲- انجام یا عدم انجام دستورات مقامات قضایی در مدت تعیین شده و گزارش علت عدم انجام آن، ۳- چگونگی اجرای دستورات شفاهی مقامات قضایی (تنظیم صورت جلسه و اطلاع به مقام قضایی ظرف ۲۴ ساعت، ۴- پذیرش یا عدم پذیرش شکایت (شفاعی یا کتبی)، ۵- اطلاع‌رسانی به شکات از خدمات مشاوره‌ای، ۶- وجود دلایل و امارات قوی برای بازداشت افراد در جرایم مشهود و رعایت ۲۴ ساعت بازداشت، ۷- اطلاع‌رسانی به دادستان یا قاضی کشیک در مورد افرادی که خارج از وقت اداری تحت نظر قرار گرفته‌اند، ۸- تنظیم صورت مجلس از اظهارات شخص تحت نظر، علت تحت نظر و....، ۹- ثبت تاریخ و ساعت آغاز و پایان تحت نظر در دفتر مخصوص و ۱۰- تفهیم مکتوب حقوق قانونی متهمین تحت نظر و.... از

بدین ترتیب، به محض شروع تحت نظر ضابط باید الزاماً نسبت به اطلاع رسانی اقدام کند. قانون برای انجام این اطلاع رسانی، مهلت یک ساعته تعیین کرده است. فلسفه تعیین این مهلت یک ساعته این است که اگر مقام قضایی تشخیص دهد قرار دادن تحت نظر بی فایده است، بلافاصله دستور دهد متهم آزاد شود و از این طریق، ضمن نظارت بر حسن اجرای وظایف ضابطان، موضوع ماده ۳۳ قانون آیین دادرسی کیفری، احتمال سلب غیرقانونی آزادی و نیز سوءاستفاده ضابطان را به حداقل ممکن تقلیل دهد. قانون آیین دادرسی در فصل مربوط به تحت نظر، در دو ماده ۴۷ و ۴۹، از لزوم اطلاع رسانی ظرف یک ساعت سخن به میان آورده است. مهلت یک ساعت موضوع ماده ۴۷^۲ و نیز فوریت اطلاع رسانی موضوع قسمت اخیر ماده ۴۶ به دادستان، صرفاً جهت مطلع کردن دادستان از اقدام ضابطان است، لیکن مهلت یک ساعته موضوع ماده ۴۹، اطلاع رسانی محض نیست، بلکه مشتمل بر مجموعه‌ای از اطلاعات جهت ثبت در دفتر مخصوص و انعکاس فهرست آن در پایان هر روز به رییس کل دادگستری است. نقض این تکلیف، ضمانت اجرای موضوع ماده ۶۳ را به دنبال خواهد داشت. در واقع بر خلاف حقوق فرانسه که در ماده ۶۳ کوتاهی در اطلاع رسانی را با ضمانت اجرای بطلان مواجه ساخته است، قانون گذار ایران فعلاً به ضمانت اجرای ناظر به مرتکب بسنده نموده و به هر دلیل از توسل به بطلان امتناع نموده است، این در حالی است که صرف پیش بینی بطلان می‌توانست نسبت به تمام کنش گران فرایند عدالت کیفری کارکرد پیش گیرانه داشته باشد. زیرا چنانچه ضابطین، اقدامات متعدد خود در این مرحله را در معرض خطر بطلان و فاقد کمترین اثر حقوقی ببینند، بر رعایت تکالیف قانونی خود نسبت به متهم تحت نظر و عدم نقض آن تشویق خواهند شد.

بدین ترتیب اطلاع به دادستان شرط لازم کنترل محسوب می‌شد اما باید دید شیوه این اطلاع رسانی چگونه است.

۲. شیوه اطلاع رسانی

صیانت از حقوق بنیادین متهمان تحت نظر مستلزم ارائه اطلاعات عینی و صریح در محتوا است. اگرچه فقدان تصریح و الزام در خصوص شکل اطلاع رسانی، به رویه‌های مختلف دامن زده و کنترل

جمله مهمترین محورهای بازرسی دادستان است که در همین خصوص توسط اداره کل بهبود روش‌ها و فرایندهای قوه قضاییه در قالب فرم‌های مشخص تهیه شده است. این فرم‌ها در معاونت انفورماتیک دادگستری‌های کل موجود است.

1. Pettiti, 1993: 142.

۲. ماده ۴۷- هرگاه فردی خارج از وقت اداری به علت هریک از عناوین مجرمانه تحت نظر قرار گیرد، باید حداکثر ظرف یک ساعت مراتب به دادستان یا قاضی کشیک اعلام شود. دادستان یا قاضی کشیک نیز مکلف است، موضوع را بررسی نماید و در صورت نیاز با حضور در محل تحت نظر قرار گرفتن متهم اقدام قانونی به عمل آورد.

تحت نظر پلیسی را تضعیف کرده است. قانون آیین دادرسی کیفری و نیز رویه قضایی برای اطلاع-رسانی با ذکر عبارت «به هر طریق ممکن»، شکل خاصی را پیش‌بینی نکرده است، امری که می‌تواند حقوق فرد تحت نظر را تا حدود زیادی در معرض خطر قرار دهد.^۱ در رویه پلیسی، اطلاع‌رسانی در خصوص تحت نظر، معمولاً بوسیله تلفن و یا دورنگار صورت می‌گیرد، این در حالی است که هیچ تضمینی بر مطالعه اطلاعات مندرج در دورنگار ارسالی از جانب ضابطان وجود ندارد. حتی در فرضی که این اطلاعات مطالعه شود در اثربخشی چنین کنترلی تردید جدی وجود دارد. زیرا به‌عنوان مثال ارسال چنین دورنگاری در نیمه‌های شب با توجه به ضرورت اطلاع‌رسانی بلافاصله پس از تحت نظر، کمکی به کنترل مؤثر تحت نظر نخواهد کرد. کم نیستند دادستان‌هایی که ورقه دورنگار که ابتدا در دست کارمند اداری قرار گرفته را قرائت نمی‌کنند. علاوه بر این، تماس‌های تلفنی که عمدتاً برای تمديد تحت نظر است و نیز مدت تماس آن بیش از حد اکثر دو دقیقه نخواهد بود. بدین ترتیب عملاً شرایط لازم برای یک کنترل مؤثر فراهم نمی‌گردد. مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضاییه در سال ۱۳۹۴ طی نامه‌ای^۲ به روسای دادگستری کل و دادستان‌های مربوط، ضمن استناد به ماده ۴۹ در خصوص اعلام تحت نظر به دادسرای محل، به طراحی دفتر متهمین تحت نظر در سامانه قضایی (سمپ) و لزوم استفاده از این فتر و انجام فرایندهای تکمیلی به صورت مکانیزه و امتناع از ارسال اطلاعات به صورت دستی و کاغذی اشاره کرده است.

۳: محتوای اطلاعات

تا پیش از اصلاحات سال ۲۰۱۱، قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه در خصوص محتوای اطلاعات قابل ارائه به دادستان تصریحی نداشت. دادسرا از طریق توصیف پلیس از عمل مجرمانه و وصفی حقوقی که بدان اعطا می‌کرد، از دلیل تحت نظر مطلع می‌شد. لیکن بر اساس قانون مصوب ۲۰۱۱، پلیس قضایی دلایل توجیه کننده تحت نظر و نیز عنوان مجرمانه ابلاغ شده را اطلاع‌رسانی می‌کند. بدین ترتیب، علاوه بر عنوان و وصف مجرمانه تفهیم شده، پلیس باید دلیل توجیهی تحت نظر را با توجه به شش دلیلی که در ماده ۲-۶۲ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است، را به دادستان اطلاع دهد. به عبارت دیگر پلیس باید توجیه کند که تحت نظر تنها ابزار دستیابی به یک یا چند هدف احصا شده از جمله کمک به انجام تحقیقات، تضمین حضور وی در دادسرا، جلوگیری از فشار وی بر شهود و یا جلوگیری از معدوم کردن ادله و... می‌باشد.

۱. در خصوص حقوق مختلف متهم تحت نظر ر.ک وروایی، اکبر و بهرامی پور، رسول و پراکوهی، احسان، حقوق متهم تحت نظر نظام حقوق کیفری ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات بهنامی، ۱۳۹۳

۲. نامه شماره ۹۰۰۰/۹۵۱۰/۵۵۰ تاریخ ۱۳۹۴/۸/۴

در واقع، ماده ۲-۶۲ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه تحت نظر را یک استثناء تلقی و آن را به حقوق بازداشت موقت نزدیک ساخته است. زیرا توسل به آن جایز نیست مگر در جرایم مشخص و در صورتی که تنها ابزار دستیابی به اهداف ششگانه موضوع این ماده باشد و مستدل و موجه باشد. این ضوابط و ضرورت توجیه امکان کنترل عینی دادستان را تسهیل می‌کند. امری که در قانون آیین دادرسی کیفری ایران مورد توجه قرار نگرفته است و همین وضعیت زمینه را برای توسل بیشتر ضابطان به این تأسیس و در نتیجه فراهم شدن امکان نقض حقوق متهمان در صورت بی توجهی به کنترل و کارکردهای آن، فراهم خواهد ساخت.

بدین ترتیب، تهیه این فهرست طولانی از معیارها به نوبه خود نوعی پیشرفت در حمایت از حقوق بنیادین فرد محسوب می‌شود. این امر به دادسرا اجازه می‌دهد کنترل حقوقی خود را بر دلایل توجیه کننده اقدام سالب آزادی اعمال کند. نتیجه منطقی چنین اقدامی این است که دادگاه و نیز دیوان عالی کشور به نوبه خود، ضرورت توسل به تحت نظر را کنترل کنند. در واقع تهدید ناشی از امکان ابطال تحقیقات پلیسی، دادسرا را به ناچار از یک سو به انجام دقیق کنترل تحت نظر تشویق خواهد کرد. از سوی دیگر، این کنترل دادستان از طریق بررسی دلایل توجیه کننده تحت نظر می‌تواند در پیشگیری از دستگیری خود سرانه کنشگران تحقیقات و بازداشت پلیسی موثر واقع شود^۱. علاوه بر این دادستان می‌تواند عنوان اتهامی تفهیم شده توسط پلیس را اصلاح کند، امری که ممکن است سرنوشت متهم تحت نظر را تحت تأثیر قرار دهد.

خاطر نشان می‌شود پیش‌بینی عمده این ساز و کارها در فرانسه، حاصل اصلاحیه سال ۲۰۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری است (Leroy, 2011)، یعنی در زمانی که قانون‌گذار ما در حال بررسی پیش‌نویس لایحه قانون آیین دادرسی با نگاهی به نسخه پیشین آیین دادرسی فرانسه بوده است. بنابراین طبیعی است عمده اصلاحات سال ۲۰۱۱ که تحت فشارهای ناشی از عدم رعایت حقوق متهمان تحت نظر و با هدف ارتقاء این حقوق انجام شد (Boudot, 2012: 512) و نیز پیش‌بینی ساز و کارهای کنترل و تقویت موقعیت دادستان جهت نظارت بر مراحل مختلف تحت نظر، در قانون ما پیش‌بینی نشده باشد. بدین سان می‌توان گفت حقوق متهمان تحت نظر و نیز ساز و کارهای کنترل رعایت آن در حقوق ایران در مرحله شکل‌گیری است و می‌تواند در اصلاحیه در دست انجام قانون آیین دادرسی کیفری، با هدف پیش‌بینی ساز و کارهای پیشگیری از نقض حقوق بنیادین این

۱. در خصوص وظایف پلیس به عنوان ضابط و نیز به عنوان نیروی حافظ نظم، ر.ک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، پیشگیری از بزهکاری و پلیس، در آمدی بر پیش همایش ملی پیشگیری از جرم، در نجفی ابرندآبادی، علی حسین «زیر نظر» پلیس و پیشگیری از بزهکاری، مجموعه مقاله‌ها و سخنرانی‌ها، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۵.

دسته از متهمان که تحت حمایت اصل برائت موضوع اصل ۳۷ قانون اساسی و نیز ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری می‌باشند، مورد توجه قانونگذار قرار گیرد.^۲

با این حال، صرف‌نظر از ایراد مربوط خلاءهای قانون آیین دادرسی کیفری ایران در این خصوص، باید خاطر نشان ساخت که محتوای اطلاعات اگرچه به کنترل موثر و جدی ضرورت و تناسب تحت نظر و نیز تمديد آن کمک کند، لیکن این تدبیر در اغلب اوقات به دلیل رابطه مبتنی بر اعتماد بین دادسرا و تشکیلات پلیس تضعیف می‌گردد. در واقع، دغدغه جدی دادستان جهت مدیریت موثر تحقیقات پلیسی این است که تا حد امکان رابطه خود با پلیس را در سطح مناسب حفظ کند. زیرا در رویه، انجام با کیفیت تحقیقات تا حدود زیادی به خواسته و اراده ضابطان بستگی دارد. به همین دلیل معمولاً مقامات دادسرا به دلیل نگرانی از ایجاد وقفه در انجام تحقیقات از جانب پلیس، بویژه در جرایم سازمان یافته و جرایمی که مجازات آنها مشمول ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری است، در انجام این کنترل چندان جدیت نشان نمی‌دهند. چه بسا کنترل روزانه عالی‌ترین مقام قضایی استان بر تحت نظر بر اساس ماده ۴۹ قانون آیین دادرسی کیفری، بدون توجه به ملاحظات حاکم بر روابط بین کنش‌گران نظام عدالت کیفری در سطح بخش و شهرستان، بتواند ضمن رفع این نقیصه، در درازمدت کارکرد آموزشی داشته باشد و به نوعی در راستای اصل قانونی بودن آیین دادرسی^۳ موضوع ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری^۴ و نهادینه

۱. ماده ۴- «اصل، برائت است».

۲. در ارتباط با چالش‌های قانون آیین دادرسی کیفری به‌طور کلی ر.ک (مجموعه مقالات همایش قانون آیین دادرسی کیفری: بنیان‌ها، چالش‌ها و راهکارها، ۱۳۹۵، قابل دسترس در Lawtest.ir)
۳. اگرچه اصل قانونی بودن جرم و مجازات به دلیل طرح آن در دوره حقوق کیفری مدرن یعنی انتشار رساله جرایم و مجازات‌های سزار بکاریا در سال ۱۷۶۴، و انقلاب فرانسه، در ۱۷۸۹ و اعلامیه حقوق بشر و شهروند ۱۷۸۹ (از جمله ماده ۷ و ۸ آن) و تدوین کدهای ناپلئون و مجموعه قوانین کیفری (کد-قانون تحقیقات جنایی ۱۸۰۸ و قانون مجازات ۱۸۱۰) تا حدود زیادی شناخته شده و زوایای مختلف آن موضوع تحقیقات مختلف قرار گرفته است، لیکن اصل قانونی بودن آیین دادرسی کیفری فاقد آن دیرینه و در قانون تحقیقات جنایی ۱۸۰۸ فرانسه نیز مورد توجه قرار نگرفته بود. علاوه بر این، حتی در کتاب‌های حقوقدانان کیفری قرن نوزده و نیمه اول قرن بیستم نیز مبحث خاصی بدان اختصاص نیافته بود. این اصل را می‌توان در یک تقسیم‌بندی به قانونی بودن شکلی و ماهیتی تقسیم کرد. منظور از وجه شکلی این است که آیین دادرسی منبعی غیر از قانون عادی، یعنی مصوبه مجلس یا قانون اساسی ندارد. منظور از جنبه ماهوی، محتوای حقوق و تبعیت آن از اصول کلی مانند عطف بماسبق نشدن قوانین کیفری شدید یا قاعده تفسیر مضیق قوانین کیفری است. جهت اطلاع بیشتر ر.ک: (موسوی، ۱۳۹۵: ۱۶ و بعد).
۴. بر اساس ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری، دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد، حقوق طرفین دعوی را تضمین کند و قواعد آن نسبت به اشخاصی که در شرایط مساوی به سبب ارتکاب جرائم مشابه تحت تعقیب قرار می‌گیرند، به صورت یکسان اعمال شود.

شدن رعایت حقوق تحت نظر مؤثر واقع شود. با این حال دادستان از یک اختیار تصمیم‌گیری برخوردار است که می‌تواند از آن برای کنترل جریان تحت نظر استفاده کند.

ب: کنترل پسینی دادستان

اختیار تصمیم‌گیری دادستان در حقوق فرانسه در خصوص تحت نظر، دو نوع است. نوع اول مربوط به تمدید تحت نظر است که بر اساس مواد ۲-۶۲، ۶۳ و نیز ۷۰۶-۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری از سوی پلیس تقاضا شده است. مورد دوم به صلاحیت و اختیاراتی باز می‌گردد که دادستان به استناد ماده ۹-۶۳ باید از آن برای اعمال یک کنترل واقعی در پایان تحت نظر استفاده کند. عدم انجام این اقدام از جانب دادستان کنترل را تضعیف و بی‌اثر خواهد کرد. در قانون آیین دادرسی کیفری ایران البته اجازه تمدید تحت نظر پیش‌بینی نشده است و نمی‌توان بیش از ۲۴ ساعت متهم را تحت نظر قرار داد^۱ یا تحت نظر را تمدید نمود.^۲ لیکن بر اساس قسمت اخیر ماده ۴۷، «چنانچه در جرائم مشهود، نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به‌طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند». در واقع قانون‌گذار خواسته است هر نوع سلب آزادی توسط ضابطان، تحت نظر و کنترل دادستان صورت پذیرد. بدیهی است دادستان می‌تواند پس از اطلاع-رسانی ضابطان، در صورتی که حضور وی برای تکمیل تحقیقات ضروری نباشد، دستور آزادی وی را

۱. بر اساس ماده ۱۸۹- بازپرس مکلف است بلافاصله پس از حضور یا جلب متهم، تحقیقات را شروع کند و در صورت عدم امکان، حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت از زمان تحت نظر قرار گرفتن او توسط ضابطان دادگستری، با رعایت ماده (۹۸) این قانون مبادرت به تحقیق نماید. در صورت غیبت یا عذر موجه بازپرس یا امتناع وی از شروع تحقیقات به دلایل قانونی، دادستان انجام تحقیقات را به بازپرس دیگر یا در صورت اقتضاء به دادرس دادگاه محول می‌کند.

تبصره- تحت نظر قرار دادن متهم بیش از بیست و چهار ساعت، بدون آنکه تحقیق از او شروع یا تعیین تکلیف شود، بازداشت غیرقانونی محسوب و مرتکب به مجازات قانونی محکوم می‌شود.

۲. با این وجود، بعضاً در برخی پرونده‌ها مانند سرقت که متهم در منظر ضابطان دادگستری، مرتکب جرم می‌گردد، به دلیل اینکه جرم مشهود است، وی به مدت ۲۴ توسط ضابطان تحت نظر قرار می‌گیرد و پس از پایان این مهلت، مراتب جهت اخذ دستور مقتضی به اطلاع مقام قضایی می‌رسد. در این حالت مقام قضایی باید بر اساس ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری، پس از تفهیم اتهام و تحقیق لازم، در صورت وجود دلایل کافی، نسبت به صدور قرار تامین اقدام کند. لیکن بعضاً مقام قضایی مربوطه، از آنجایی که احتمال می‌دهد مرتکب به سرقت‌های دیگری نیز اقرار کند، بدون صدور قرار تامین، تحت نظر وی را تمدید و وی را مجدد برای تحقیق در اختیار ضابطان قرار می‌دهد. این در حالی است که با وجود تصریح ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری مبنی بر اینکه «ادارسی کیفری باید مستند به قانون باشد» نمی‌توان مستندی برای آن یافت.

صادر کند. با این حال، عبارت «برای تکمیل تحقیقات» مبهم بوده و همین ابهام دامنه مانور ضابطان از یک‌سو و احتمال تحدید حقوق افراد مظنون و متهم را از سوی دیگر، افزایش می‌دهد. در واقع عبارت «تکمیل تحقیقات» پوششی است که هر توجیهی و توضیح را در بر می‌گیرد و می‌تواند به ابزار مناسبی برای سلب آزادی افراد توسط پلیس تبدیل گردد. لذا مناسب است قانونگذار در اصلاحات پیش‌رو شرایط و دلایل و جرایم قابل تحت‌نظر را به صراحت (جهت اطلاعات بیشتر در خصوص اصل کیفی بودن قانون رک: (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲، ص ۱۲ و بعد)) تعیین تا قدرت ارزیابی و کنترل دادستان افزایش یابد. این تصریح، در راستای اصل کیفی بودن قانون که بر صراحت و قابلیت پیش‌بینی آن تأکید می‌کند و به دنبال آن است که حدود اختیارات و وظایف به طور دقیق تعیین گردد قابل توجیه است. با این حال باید دید رویه قضایی چه تفسیری از عبارت «اتخاذ تصمیم قانونی» موضوع این ماده بعمل می‌آورد.

قانون‌گذار فرانسه در کنار این الزامات، دادستان رامستند به بند سوم ماده ۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری به بازدید از محل تحت‌نظر در هر زمانی که لازم تشخیص دهد و حداقل یک بار در سال، ملزم کرده است. وی در جریان این بازدید دفتر تحت‌نظر را کنترل خواهد کرد. در عمل، کیفیت انجام این کنترل تا حدود زیادی به تعداد اماکن تحت‌نظر موجود در حوزه صلاحیت قضایی وی بستگی دارد. از گذر این کنترل می‌توان به شرایط افراد تحت‌نظر و نیز میزان رعایت کرامت انسانی آنها پی برد. اگرچه ماده ۳۳ قانون آیین دادرسی کیفری ایران، «به منظور نظارت بر حسن اجرای وظایف ضابطان»، دادستان را موظف نموده است واحدهای مربوط را حداقل هر دو ماه یکبار مورد بازرسی قرار دهد، لیکن به‌طور مشخص به بازرسی محل تحت‌نظر اشاره ننموده است. در واقع

۱. اداره حقوقی در نظریه مشورتی ۹۹۵/۹۴/۷ مورخ ۲۱/۴/۱۳۹۴ بیان داشته است منظور از عبارت «چنانچه در جرائم مشهود، نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد» در قسمت دوم ماده ۴۶ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، ناظر بر شرایط مقرر در قسمت اخیر ماده ۴۴ این قانون، در واقع تأکیدی بر لزوم رعایت اصل برائت مندرج در ماده ۴ قانون فوق‌الذکر است که طی آن اقدامات محدودکننده و سلب آزادی می‌باید به موجب حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضائی صورت پذیرد، بنابراین، بازداشت متهم در جرایم مشهود از سوی ضابطان مشروط به احراز وجود قرائن و امارات قوی بر ارتکاب این جرائم توسط متهم به وسیله ضابطان ذی‌ربط است و لکن در صورت بازداشت متهم، ضابطان مکلف هستند بلافاصله موضوع اتهام و ادله آن را به‌طور کتبی به شخص بازداشت شده (متهم) ابلاغ و تفهیم و مراتب را بدون فوت وقت برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند. در نتیجه صرف وقوع جرم مشهود، مجوز بازداشت افراد توسط ضابطان نبوده بلکه می‌باید قرائن و امارات قوی بر ارتکاب جرم از سوی متهم نیز وجود داشته باشد همچنین نگهداری متهم بازداشتی در این جرایم، در صورتی موجه است که برای تکمیل تحقیقات، ضرورت داشته باشد و الا اصل بر این است که متهم بازداشتی بلافاصله نزد مرجع قضائی اعزام و معرفی گردد.

تصریح به بازرسی از تحت نظرگاه، خود دارای پیام مشخص بوده و از میزان توجه قانون گذار به رعایت حقوق بنیادین متهم تحت نظر حکایت خواهد کرد. علاوه بر این ماده ۴۹ همین قانون در باب تحت نظر، الزامی برای بازدید دوره‌ای دادستان پیش‌بینی ننموده است و صرفاً به ذکر عبارت «نظارت لازم» در ماده ۴۹ بسنده کرده است. بر اساس این ماده، دادستان هر شهرستان با درج مشخصات فرد تحت نظر در دفتر مخصوص و رایانه، با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی، نظارت لازم را برای رعایت حقوق این افراد اعمال می‌نماید. تعیین مدت یا دوره‌های منظم بازدید فی نفسه از یک سو موجب ایجاد تکلیف برای دادستان و پیش‌بینی ساز و کار مناسب جهت ثبت اطلاعات و انعکاس به مراجع تصمیم گیر و از سوی دیگر، زمینه را برای برنامه ریزی ضابطان جهت انطباق محیط و فضا و شرایط تحت نظر با استانداردهای قانونی فراهم می‌کند.

بدین ترتیب، منظور از کنترل پسینی، قدرت و اختیارات دادستان در پایان تحت نظر است که باید به صورت خودکار و بدون نیاز به درخواست شخص تحت نظر صورت پذیرد. این ویژگی خودکار در زمره تضمینات محسوب می‌شود، زیرا اجازه نمی‌دهد حمایت از فرد تحت نظر متوقف گردد. در واقع شرط اثربخشی کنترل قانونی بودن تحت نظر این است که منوط به درخواست ذینفع نباشد. زیرا فردی که در شرایط نامناسب محیطی قرار دارد و بعضاً سیل اعمال و رفتارهای تحقیر کننده قرار می‌گیرد، در موقعیتی نیست که نسبت به این اقدامات اعتراض کند^۱. زیرا به طور طبیعی اولویت وی خروج بلافاصله از این وضعیت است. علاوه بر این خصوصیت کنترل بدون نیاز به درخواست، حمایت از شخص تحت نظر تابع دو امر دیگری است. این دو عبارت است از استماع فرد تحت نظر (۱) و اختیار صدور تصمیم به آزادی وی (۲).

۱. اختیار استماع شخصی فرد تحت نظر

دادستان و به طور کلی هر مقام قضایی صالح به نظارت بر تحت نظر باید توانایی استماع فرد تحت نظر را به طور شخصی داشته باشد. بنابراین کنترل شامل حضور شخص در برابر مقام قضایی جهت کاهش خطر ارتکاب رفتارهای نامناسب و غیر انسانی و جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت کنشگران تحقیقات پلیسی و رعایت اصول دادرسی عادلانه و منصفانه است. رعایت تشریفات دادرسی عادلانه

۱. بر اساس بند ۱۳ ماده واحده قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی، محاکم و دادرها بر بازداشتگاههای نیروهای ضابط یا دستگاههایی که به موجب قوانین خاص وظایف آنان را انجام می‌دهند و نحوه رفتار مأموران و متصدیان مربوط با متهمان، نظارت جدی کنند و مجریان صحیح مقررات را مورد تقدیر و تشویق قرار دهند و با متخلفان برخورد قانونی شود. در این بند نیز صرفاً بر نظارت بر بازداشتگاهها تصریح شده و تحت نظر گاه به طور خاص موضوع نظارت قرار نگرفته است.

بی‌تردید نه به معنای ارفاق به متهم بلکه به این معناست که جامعه به آن حد از عقلانیت و انصاف و عدالت رسیده است که در برخورد با بزهکار انسانیت او را فراموش نکند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۶: ۸).

بدین ترتیب این الزام، هر نوع اقدام برای تمدید تحت‌نظر به‌صورت کتبی بدون حضور فرد در دادسرا را ممنوع می‌سازد. در همین راستا ماده ۳-۶۲ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه مقرر می‌دارد دادستان می‌تواند دستور دهد در هر زمان که لازم باشد فرد تحت‌نظر نزد وی حاضر شود و یا آزاد گردد.

اگرچه قانون آیین دادرسی کیفری ایران تصریحی در این خصوص ندارد، لیکن می‌توان از قسمت اخیر ماده ۴۶ که مقرر می‌دارد «... ضابطان مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند» و از عبارت «در هر حال، ضابطان نمی‌توانند بیش از بیست و چهار ساعت متهم را تحت‌نظر قرار دهند» می‌توان چنین استنباط کرد که دادستان می‌تواند به محض اطلاع-رسانی ضابطان، از آنان درخواست کنند متهم را نزد وی حاضر کنند. مفهوم مخالف بخش انتهایی ماده نیز بدین معناست که متهم در راستای تضمین حضور نزد مقام قضایی، پس از مهلت بیست و چهار ساعته نزد دادستان حاضر و وی شخصا متهم را استماع کند (اردبیلی، ۱۳۹۵: ۳).

بدین ترتیب حضور قاضی تحقیق در محل تحت‌نظر جهت بازجویی تکلیف فوق را رفع نمی‌کند. به عبارت دیگر صرف حضور قاضی تحقیق در زمان بازجویی به معنای کنترل موثر تحت‌نظر توسط یک مقام قضایی نیست و تأمین‌کننده آن حق نمی‌باشد. با وجود این ماده ۴۷ اجازه داده است دادستان یا قاضی کشیک در محل تحت‌نظر حاضر شود. بر اساس بخش پایانی ماده ۴۷ «دادستان یا قاضی کشیک نیز مکلف است، موضوع را بررسی نماید و در صورت نیاز با حضور در محل تحت‌نظر قرار گرفتن متهم اقدام قانونی به عمل آورد».

دیوان اروپایی حقوق بشر نیز در همین راستا و به منظور جلوگیری از احتمال تعرض به حقوق بنیادین متهم، یک برداشت مضیق از حق حضور در برابر مقام قضایی ارائه می‌کند. به عبارت دیگر الزام به حضور باید به‌گونه‌ای باشد تا مقام قضایی قانون‌مندی تحت‌نظر را بررسی و احراز کند و در خصوص اوضاع و احوال و دلایل توجیه‌کننده ادامه تحت‌نظر اظهارنظر کند. لذا توسل به ساز و کارهای صوتی-تصویری مانند تلفن و یا ویدئوکنفرانس جهت تمدید این اقدام رافع تکلیف استماع نزد مقام قضایی نیست.

۲. حق (قدرت) صدور تصمیم به آزادی متهم

دادستان باید به شکل عینی و مشخص، قانونمندی تحت نظر و ادامه آن و نیز وجود یا عدم وجود دلایل مبنی بر ارتکاب یا شروع به ارتکاب جرم مستوجب کیفر حبس توسط فرد را بررسی کند. چنانچه تصمیم به تحت نظر مشمول شرایط قانونی مقرر نباشد و آن را خودسرانه یا غیر قانونی تشخیص دهد باید بتواند بدان پایان دهد. در غیر این صورت کنترل فاقد کارایی بوده و نخواهد توانست از بازداشت خودسرانه جلوگیری کند. لذا از آنجایی که این کنترل، کنترل قضایی قانونی بودن دستگیری محسوب می شود دادستان باید از قدرت لازم برای پایان دادن به آن و صدور دستور آزادی فرد برخوردار باشد.

اما در عمل به دلیل تورم پرونده‌های کیفری و کافی نبودن تعداد قضات، این کنترل به نحو مؤثر انجام نمی‌شود. در واقع، با توجه به این که ابتکار تحت نظر با پلیس و پایان دادن به آن با قاضی است، نتیجه منفی این وضعیت طولانی شدن مدت تحت نظر است. یعنی آزادی فرد تحت نظر صرفاً به دلایل اداری و نه حقوقی و مرتبط با ضرورت تحقیقات، بویژه در پایان هفته یا شب فراتر از آنچه عدالت اقتضا می‌کند، سلب می‌گردد.

نتیجه‌گیری

«تحت نظر» از جمله تاسیساتی است که در حقوق فرانسه موضوع بیشترین اصلاحات قانونی قرار گرفته است. بیشتر این تحول طی دو دهه، یعنی از سال ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۱ و تحت تأثیر دادگاه اروپایی حقوق بشر صورت گرفته است. محتوای این تحولات در دو حوزه حق بر دفاع، حق بر تاملین و حق بر کرامت انسانی از یکسو و پیش‌بینی ساز و کارهای پیشگیری از تعرض بدین حقوق است. هر چند با این وجود، این اقدام منتهی سلب آزادی، همچنان مورد نقد حقوق دانان و نیز دیوان اروپایی حقوق بشر می‌باشد. در واقع با وجود اصلاحات پی‌درپی، به‌ویژه در خصوص حقوق دفاعی، به دلیل کوتاهی در اجرای این مقررات، انتقاد متهمین، وکلا و کانون‌های مدافع حقوق افراد تحت نظر همچنان پابرجاست. انتشار گزارش‌های سالانه از وضعیت فیزیکی، بهداشتی و انسانی توسط نهاد-های مستقل و بر ملا کردن نقاط ضعف آن، یکی از ساده‌ترین شیوه‌هایی است که می‌تواند متصدیان این حوزه را به تسریع در چاره‌اندیشی و انجام اقدامات اصلاحی وادار نماید.

در ایران، اگر چه ابتکار قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، با اختصاص هفت ماده متوالی و چند ماده متفرقه به تحت نظر، به‌عنوان اقدام سالب آزادی، به شکل‌گیری بنای اولیه حقوق متهم تحت نظر کمک کرده است و در ماده ۵۲ همین قانون، ضابطان دادگستری را مکلف ساخته حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت نظر را به متهم تفهیم و به‌صورت مکتوب در



اختیار وی قرار دهد، لیکن همچنان در دو حوزه حق بر دفاع، حق بر تامین و حق بر رعایت کرامت انسانی از یک سو و نیز مکانیسم پیشگیری از نقض یا تحدید این حقوق با خلاء و ایرادات متعدد مواجه است. در واقع، حقوق تحت نظر در قانون آیین دادرسی کیفری ایران، اقتباس از نسخه پیش از اصلاحات ۲۰۱۱ قانون فرانسه است که این کشور به دلیل ضعف‌های همین قانون، همیشه مورد انتقاد نهادهای حقوق بشری بود و به دفعات در دیوان اروپایی حقوق بشر به دلیل نقض حقوق بنیادین متهمین تحت نظر محکوم گردیده بود و در نهایت تحت تأثیر همین فشارها، به اصلاحات ۲۰۱۱ سال تن داد.

در ایران اگرچه نهاد مستقلی برای نظارت بر تحت نظر و برجسته نمودن کاستی‌ها و زمینه نقض حقوق متهم تحت نظر وجود ندارد، لیکن مواردی مانند عدم اشاره به لزوم توجیه تحت نظر توسط ضابطان، عدم تعریف و تعیین جرایمی که امکان تحت نظر مرتکب آن وجود دارد و... قابل چشم پوشی نیست. خلاءهایی که به سهم خود امکان کنترل عینی و کارآمد دادستان را سلب نموده است.

متهم تحت نظر البته نه فقط از آزادی رفت و آمد محروم می‌شود، بلکه زندگی خصوصی و حتی کرامت وی نیز در صورت عدم انطباق محیط اجرای این تدبیر مورد تهدید قرار می‌گیرد. پیش‌بینی الزاماتی برای کنش‌گران تحقیقات پلیسی در زمینه محل اجرای این اقدام و نیز موظف نمودن دادستان و متولیان سازمان زندان‌ها بر نظارت اتفاقی و نیز دوره‌ای، کمترین اقدامی است که علاوه بر کارکرد پیشگیرانه، زمینه را برای تحقیقات علمی در این خصوص مهیا خواهد ساخت.

منابع

- آشوری، محمد (۱۳۹۵)، **آیین دادرسی کیفری**، جلد دوم، انتشارات سمت.
- احمدپور، مجید (۱۳۹۴)، «حقوق متهم تحت نظر در قانون آیین دادرسی کیفری»، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد در رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شیراز.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۵)، «حقوق متهمان در مرحله تحت نظر، در: آیین دادرسی کیفری؛ بنیان‌ها، چالش‌ها و راهکارها» - مجموعه مقالات همایش قانون آیین دادرسی کیفری دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، تهران: انتشارات معاونت فرهنگی، اجتماعی و دانشجویی دانشگاه شهید بهشتی.
- شفیع زاده دیزجی، توحید (۱۳۹۲)، «مطالعه مدلهای دو گانه عدالت کیفری هربرت پاکر، با تکیه بر ارزیابی عدالت کیفری ایران در پرتو آن مدلهای»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، مرداد.
- مجموعه مقالات همایش قانون آیین دادرسی کیفری: بنیانها، چالشها و راهکارها آذرماه (۱۳۹۴)، نشر مولف، ۱۳۹۵
- موسوی، سید پوریا (۱۳۹۵)، «مبانی و آثار حقوقی - جرم‌شناختی اصل قانونی بودن دادرسی کیفری، موضوع ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، قم: دانشکده حقوق دانشگاه مفید، زمستان.
- مؤذن‌زادگان، حسنعلی و کوره‌پز، حسین (۱۳۹۵)، «ضمانت‌های اجرایی نقض حقوق شهروندی در فرآیند پلیسی»، **مجله آموزه‌های حقوق کیفری**، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد: شماره ۱۱.
- مؤذن‌زادگان، حسینعلی و سحر سهیل مقدم (۱۳۹۵)، «قاعده بطلان دلیل در دادرسی کیفری (با تاکید بر حقوق آمریکا)»، **مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی**، دوره ۳، شماره ۲، پاییز و زمستان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۵)، «سیاست جنایی سازمان ملل متحد»، **مجله تحقیقات حقوقی**، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۸.
- _____ (۱۳۸۶)، **بدنبال عدالت کیفری کرامت مدار**، ویژه‌نامه همایش قوه قضاییه و حقوق شهروندی، اداره کل اجتماعی و فرهنگی قوه قضاییه، تیرماه قابل دسترس در Lawtest.ir



- _____ (۱۳۸۷)، «پیشگیری از بزهکاری و پلیس، در آمدی بر پیش همایش ملی پیشگیری از جرم، در علی حسین نجفی ابرندآبادی، «زیر نظر»: پلیس و پیشگیری از بزهکاری»، **مجموعه مقاله‌ها و سخنرانی‌ها**، چاپ اول، نشر میزان.
- _____ (۱۳۸۸)، «رویکرد جرم‌شناختی قانون حقوق شهروندی، (درباره رابطه آیین دادرسی کیفری و جرم‌شناسی)» **مجموعه مقالات همایش حقوق شهروندی**، چاپ اول، نشر گرایش.
- _____ (۱۳۹۱)، **درباره امنیت شناسی (از حق بر امنیت تا حق بر تأمین)**، **دیباچه بر مدیریت انسان‌مدار ریسک جرم**، سودابه رضوانی، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- _____ (۱۳۹۲)، «درآمدی بر پژوهش در نظام عدالت کیفری؛ فرصتها و چالشها، در: **بایسته‌های پژوهش در نظام عدالت کیفری؛ فرصتها و چالشها** - **مجموعه مقاله‌ها**، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- _____ (۱۳۹۲)، **کیفر شناسی نو - جرم‌شناسی نو، درآمدی بر رویکرد مدیریتی خطرمدار، در تازه‌های علوم جنایی**، چاپ دوم، تهران: میزان.
- _____ (۱۳۹۳)، **از جرم‌شناسی انتقادی تا جرم‌شناسی امنیتی**، تقریرات درس جرم‌شناسی، دوره دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، قابل دسترس در Lawtest.ir
- _____ (۱۳۹۳)، **درآمدی بر اساسی سازی حقوق کیفری؛ در: در تکاپوی حقوق عمومی؛ به کوشش علی اکبر گرجی؛ چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.**
- _____ (۱۳۹۴)، **آیین دادرسی کیفری: جدال قدرت-امنیت و حقوق-آزادیهای فردی، مجموعه مقالات همایش قانون آیین دادرسی کیفری: بنیانها، چالشها و راهکارها آذرماه، قابل دسترس در Lawtest.ir**
- _____ (۱۳۹۵الف)، **پیشگیری عادلانه از جرم، در: علوم جنایی، مجموعه مقاله‌ها در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری**، چاپ ششم، بهار، تهران: انتشارات سمت.
- _____ (۱۳۹۵ب)، **جهانی شدن حقوق کیفری و تعاملات دانشگاهی بین‌المللی**، دیباچه در: رضوی فرد، بهزاد (به کوشش)، **جلوه‌های از حقوق کیفری فرانسه، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های میشل مسه و برنات اوبر**، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- _____ (۱۳۹۵)، **دفاع اجتماعی در آغاز سده بیست و یکم**، دیباچه بر ویراست چهارم کتاب دفاع اجتماعی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی و محمد آشوری، ویراست پنجم، تهران: گنج دانش.

- _____ (۱۳۹۶)، گفتمان سیاست جنایی قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، در: حج اندیشه، یادنامه استاد دکتر ناصر قربان نیا، انتشارات دانشگاه مفید قم.
- وروایی، اکبر و بهرامی پور، رسول و پراکوهی، احسان (۱۳۹۳)، **حقوق متهم تحت نظر نظام حقوق کیفری ایران**، چاپ اول، تهران: انتشارات بهنامی.
- Boudot, Jean (2012), La réforme de la garde à vue à l'épreuve de la pratique, AJ Pénal
- Cappello, Aurélie. (2016), La promptitude du contrôle de la garde à vue, AJ Pénal
- Danet, Jean. (2014), Principe de loyauté des preuves et sonorisation de cellules de garde à vue, RSC
- Dumontet, benoît. (2004), L'avocat et la garde à vue : aspects pratiques et critiques, AJ Pénal.
- De Lamy, Bertrand . (2011), L'avancée des garanties en matière de garde à vue ou la consécration d'un basculement de la procédure pénale vers la phase policière ?, RSC.
- Giudicelli, andré. (2011), Le ministère public n'est pas une autorité judiciaire au sens de la Convention de sauvegarde des droits de l'homme : quelles conséquences sur le contrôle de la garde à vue ? RSC
- Vlamynck, hervé. (2008), La garde à vue du code d'instruction criminelle à nos jours, AJ Pénal.
- Boudot, Jean. (2012), La réforme de la garde à vue à l'épreuve de la pratique, AJ Pénal.
- Danet, Jean. (2014), Principe de loyauté des preuves et sonorisation de cellules de garde à vue, RSC.
- Leroy. (2011), La garde à vue après la réforme, collection actualité LexisNexis.
- Louis-Edmond Pettiti. (1993), Louis- Violences policières au cours d'une garde à vue, RSC.